

تفسیر نابردباری اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی و ارائه مدل نظری

طوبی زمانی^۱

علیرضا محسنی تبریزی^۲

عبدالرضا شاه‌محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۶

چکیده

نابردباری اجتماعی از جمله مسائل اجتماعی است که در صورت تشدید و فراگیری، انسجام جامعه را به مخاطره می‌اندازد. مقاله حاضر به روش نظریه داده‌بنیاد، به تحلیل نابردباری اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی می‌پردازد. داده‌ها به روش نظریه داده‌بنیاد از طریق مصاحبه با نخبگان دانشگاهی به دست آمد. در نوشتار حاضر، با هدف تفسیر نابردباری اجتماعی به مدلی پارادایمی دست یافتیم که تفسیرکننده ذهنیت کنشگران در خصوص شرایط، راهبردها و پیامدهای نابردباری اجتماعی است. یافته‌ها از دو نوع رویکرد کنشی و ساختاری در خصوص عوامل نابردباری اجتماعی حکایت دارند. در اتخاذ هر یک از راهبردها، چند عامل زمینه‌ای (کنش و ساختار اجتماعی)، مداخله‌گر (تبعیض و بی‌عدالتی در سطح جامعه و شیوع گفت‌مان تحقیر) و شرایط علی (عوامل کنشی اعم از متغیرهای جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی و عوامل ساختاری اعم از سطوح میانی و کلان) نقش داشته‌اند که اتخاذ راهبردهای کنش (آموزش عمومی و تمرکز بر جامعه مدنی) پیامدهای دوگانه ذهنی-عینی را دربرداشته است. مجموع این عوامل در یک مدل پارادایمی به هم ربط داده شدند و به تصویر کشیده شدند. واژه‌های کلیدی: تبیین عوامل، تفسیر نابردباری اجتماعی، روش زمینه‌ای، مدل پارادایمی، نخبگان دانشگاهی.

۱. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

tooba.zamani500@gmail.com

۲. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mohsenit@ut.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی،

abd.salmani_shahmohamadi@iauctb.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

قرن بیستم به لحاظ حجم و میزان خشونت و ظلم، مورد اعتنای بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار داشته است. انسانیت و داشتن یک زندگی مسالمت‌آمیز و توأم با صلح و برابری به یک مسئله تبدیل شده است. «در قرن گذشته، فرهنگ جنگ و ناپردباری در تمام نمودهای آن یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و معضلات بشریت بود... ناسازگاری سیاسی داخلی و تحولات اجتماعی در بسیاری از کشورها با نژادپرستی، نسل‌کشی و جنگ نشان می‌دهد که گسترش ایده‌های صلح و بردباری و شکل‌گیری چنین فرهنگی اهمیت حیاتی برای زندگی هر انسان، خانواده، سازمان، دولت و جامعه دارد. رستگاری بشر در ایجاد یک فرهنگ صلح و بردباری است و فرهنگ جنگ و ناپردباری انسانیت را به نابودی می‌کشاند» (آگیوس و امبروسویچ، ۲۰۰۳: ۸).

تنوع قومیتی ایران ویژگی دوگانه‌ای به این کشور بخشیده است. از سویی، گوناگونی فرهنگ‌ها زمینه‌ساز تمدنی چندکانونی است و از سوی دیگر، در معرض ابتلا به واگرایی هویتی و سیاسی است. «این موقعیت ویژه زمینه‌ساز تکثر هویتی در ایران شده و باعث شده است تا گروه‌های قومی و مذهبی مختلف در ایران جای گیرند» (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۲۵). این تنوع شاید تا قبل از دوران مدرن و به‌ویژه چند دهه اخیر که جامعه ایران تا حدود زیادی تحت تأثیر مهاجرت و رشد بی‌رویه شهرنشینی قرار گرفته است، مسئله چندان مهمی به‌شمار نمی‌رفت، اما امروزه ترکیب جمعیتی بسیاری از شهرها و به‌ویژه شهر تهران از نظر تنوع قومی، مذهبی، جنسیتی و... دستخوش تغییراتی اساسی شده است. جمعیت زیاد و تنوع فرهنگی و اجتماعی زیاد شرایطی را به‌وجود آورده که ساختار و شیوه تعاملات اجتماعی روزمره را دگرگون ساخته است.

درواقع، امروزه صاحب‌نظران فرهنگ سیاسی معاصر با چنین تغییرات اجتماعی‌ای سروکار دارند که طی دهه‌های گذشته رخ داده‌اند. تغییراتی مانند شکستن روابط سنتی (مانند خانواده، باشگاه‌ها) و تداوم امواج مهاجرت یا میزان اطلاعاتی که به‌طرز بی‌سابقه‌ای از طریق کانال‌های جدید ارتباطی (مثلاً رسانه‌های جدید) ردوبدل می‌شود. هریک از آن‌ها به روبه‌روشدن با سبک‌ها، عقاید و نگرش‌های متفاوت منجر می‌شود. اینکه چگونه این فرایندها ممکن است روی بردباری تأثیر بگذارند کاملاً مشخص نیست. با وجود این، روشن است که این فرایندها

به تنوع فرهنگی و قومی می‌انجامد و دیدگاه‌های مختلف اخلاقی و ارزش‌های متفاوت را در رقابت با یکدیگر قرار می‌دهند. در نتیجه تقاضا برای بردباری افزایش می‌یابد (مارکوس و رپ، ۲۰۱۳: ۴۲۹).

«در چنین شرایطی چالش فراروی دولت‌ها و ملت‌ها یافتن شیوه‌های کانالیزه کردن روابط و تعاملات اجتماعی در جهت تجربیات دموکراتیک و تقویت گفت‌وگو و مفاهیم بین گروه‌های مختلف است. در واقع، امروزه بیش از هر زمان دیگری مسئله بردباری به‌عنوان فضیلتی اجتماعی که بر پذیرش تنوع و تکثر عقاید، ارزش‌ها و... تأکید دارد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز همه گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر را فراهم می‌سازد، امری اجتناب‌ناپذیر است» (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵). در یک جامعه چندفرهنگی نباید تنها یک مسیر و جاده یک‌طرفه برای ابراز وجود فرهنگی گروه‌های مختلف ایجاد شود. «همزیستی شیوه‌ها و سبک‌های مختلف زندگی نیازمند انسجام سیاسی در یک فضای چندفرهنگی دموکراتیک است» (هابرماس، ۲۰۰۳: ۱۰).

نابرداری اجتماعی بسیار فراتر از کاربرد خشونت در تعاملات روزمره است و درگیری‌ها در سطوح مختلف گروه‌های قومی، مذهبی، سیاسی و حتی در سطح روابط بین‌المللی نیز می‌تواند ناشی از نابرداری باشد. «این امر در جوامع مختلف می‌تواند به افزایش تضادهای اجتماعی حول تفاوت در دیدگاه‌ها و عقاید نسبت به موضوعات گوناگون و از جمله مسائل زندگی روزمره منجر شود» (رپ و اکرم، ۲۰۱۶: ۵۷۰)؛ بنابراین، نابرداری اجتماعی از آن دست آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی در میان افراد به‌وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد و نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این امر به‌ویژه با توجه به بافت چندفرهنگی شهر تهران در خور توجه است.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از دو جهت است. نخست به‌دلیل وضعیت نابرداری اجتماعی در دوران کنونی که آمار بالای خشونت و درگیری‌های خیابانی و... حکایت از بالا بودن میزان آن دارد. این امر می‌تواند به‌طرز معناداری کارکرد درست حوزه‌های زندگی اجتماعی را تغییر دهد. دلیل دوم نیز به لزوم انجام چنین مطالعه‌ای برای پرکردن گوشه‌ای از خلأهای مطالعاتی در حوزه نابرداری اجتماعی و ارائه راهکارهای کاربردی در حل این مسئله

بازمی‌گردد. در راستای چنین نیازی، مطالعه وضع موجود و بررسی میزان بردباری در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و علل و عوامل مؤثر بر آن از ضرورت‌های انکارناپذیر در این مورد است؛ بنابراین، وضع کنونی جامعه هدف را از نظر میزان نابدباری اجتماعی بررسی می‌کنیم. پس از شناخت وضع موجود می‌توان براساس شواهد و نتایج، راهکارهایی عملی و کاربردی ارائه کرد. ضمن آنکه پژوهش حاضر به دلیل نگاه بین‌رشته‌ای و تلاش در جهت تبیین چندجانبه موضوع نابدباری با کمک از رویکردهای مختلف در جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگ و مسائل اجتماعی و نیز جهت‌گیری کاربردی آن، دارای نوآوری است.

با توجه به مباحث بیان‌شده، هدف پژوهش حاضر تفسیر عوامل نابدباری اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی است. این مسئله در قالب چند پرسش انضمامی تحلیل و بررسی می‌شود:

- نخبگان دانشگاهی چه تفسیری از نابدباری اجتماعی در جامعه شهری تهران دارند؟
- عوامل و زمینه‌های نابدباری اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی کدام‌اند؟
- پیامدهای نابدباری اجتماعی از منظر سوژه‌های مطالعاتی کدام‌اند؟

واکاوی ادبیات پژوهش

پیشینه تجربی داخلی و خارجی

مطالعات انجام‌شده از زوایای مختلف و در رشته‌های متفاوت، بردباری و نابدباری اجتماعی را بررسی کرده‌اند. در ادامه برخی از مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی مرتبط آورده می‌شود.

جدول ۱. پژوهش‌های تجربی داخلی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جمعیت آماری	نتیجه‌گیری
۱	مریم قاضی‌نژاد و الهه سادات اکبرنیا	۱۳۹۶	دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسیحیان و مسلمانان شهر تهران)	شامل مسلمانان و مسیحیان ۱۸ سال به بالای شهر تهران	متغیر (واسط) مدارای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر فاصله اجتماعی دارد و پس از آن، دینداری و نوع دین، متغیرهای تأثیرگذار بر فاصله اجتماعی هستند.

ادامه جدول ۱. پژوهش‌های تجربی داخلی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جمعیت آماری	نتیجه‌گیری
۲	علی اصغر فیروزجائیان و همکاران	۱۳۹۵	بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی	کلیه جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر ساری	بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون ساختاری بیانگر تأثیر مستقیم سرمایه فرهنگی (بتا ۰/۵۶) بر مدارای اجتماعی است. سازه سرمایه فرهنگی نیز ۳۱ درصد از تغییرات سازه مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند.
۳	مریم مؤمنی و همکاران	۱۳۹۵	بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دینداری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز	کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴	مدارا با سن، جنس، مدت حضور در دانشگاه و گروه تحصیلی رابطه دارد. همچنین تحلیل رگرسیونی بیانگر آن است که کسانی که بعد مناسبی دینداری در آن‌ها قوی‌تر است، مدارای کمتری دارند. در مقابل، کسانی که الگوی اخلاق‌گرایی در آن‌ها برجسته‌تر است، بیشتر اهل مدارا هستند.
۴	علی حسین زاده و همکاران	۱۳۹۴	بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)	دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز	از میان ویژگی‌های شخصیتی، تنها وظیفه‌شناسی نقش تبیین‌کننده مدارای اجتماعی را دارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که از میان ویژگی‌های شخصیتی، توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای عقیدتی، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای رفتاری، وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری و بازبودن تبیین‌کننده مدارای سیاسی و نیز برون‌گرایی و بازبودن تبیین‌کننده مدارای هویتی هستند.
۵	ابوالقاسم شهریاری و همکاران	۱۳۹۴	سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی	کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در همه مقاطع تحصیلی	تساهل مذهبی شیعیان نسبت به سایر مذاهب وضعیت مطلوبی ندارد. همچنین نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر تساهل مذهبی تأثیر منفی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، تأثیر مثبت دارد. تحصیلات و جنسیت نیز تأثیر مثبت و سن تأثیر منفی بر تساهل مذهبی دارند. تأثیر مثبت تساهل مذهبی بر تساهل سیاسی نیز تأیید شده است.

ادامه جدول ۱. پژوهش‌های تجربی داخلی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جمعیت آماری	نتیجه‌گیری
۶	سید صمد بهشتی و یاسر رستگار	۱۳۹۲	تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی	شهروندان اصفهانی بالای ۱۸ سال	قوم‌مداری و نیز جامعه‌پذیری قومی ارتباطی معنادار و منفی با مدارای اجتماعی دارند. میزان مدارای اجتماعی در بین اقوام ایرانی به مقدار ۲/۷۶، کمی بالاتر از سطح میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) است. میزان قوم‌مداری در بین اقوام تحت مطالعه بالاتر از سطح میانگین است و اقوام در مدارا و پذیرش یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.
۷	فاطمه گلابی و اکرم رضایی	۱۳۹۲	بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان	دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشکین‌شهر در استان آذربایجان شرقی	میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای هم‌بستگی مستقیم معنادار است. این ابعاد شامل نگرش مشارکتی، روحیه مشارکتی و فعالیت مشارکتی می‌شود، ولی رابطه مشارکت و مدارای اجتماعی براساس وضعیت تأهل دانشجویان معنادار نبوده است.
۸	جهانگیر جهانگیری و حسین افراسیابی	۱۳۹۰	مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا	خانواده‌های شهر شیراز	در میان عوامل مؤثر بر مدارا، روابط و میزان برخورداری از امکانات زندگی بیشترین تأثیر را بر مدارا نشان داده‌اند. نتایج مربوط به پیامدهای مدارا نیز نشان می‌دهد مدارا رابطه معکوسی با تمایل اعضا به ترک خانواده، انحرافات و دورویی در خانواده دارد.

جدول ۲. پژوهش‌های تجربی خارجی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتیجه گیری
۱	فرانسیس ال. اف. لی	۲۰۱۴	مطالعه بردباری اجتماعی و بردباری سیاسی در هنگ کنگ	داده‌های حاصل از نظرسنجی	درجه بردباری در میان گروه‌های هدف بسیار متفاوت است. مهم‌تر از همه، گروهی که به لحاظ اجتماعی بردبارتر است، لزوماً بیشترین بردباری سیاسی را ندارد. به نظر می‌رسد بسیاری از افراد نگرش «همزیستی آرام» یا «فاصله محترمانه» را نسبت به گروه‌های خاص یا گروه‌های ناهمنوا داشته باشند.
۲	رابرت ال. سیری و همکاران	۲۰۱۴	زنانه شدن سر و گردن، بردباری اجتماعی و ریشه‌های مدرنیته رفتاری	-	تغییرات زمانی در مورفولوژی انسان به صورت انعقاد، واکنش‌پذیری متوسط آندروژن (سطح پایین تستوسترون گردش خون بزرگسالان یا کاهش تراکم گیرنده‌های آندروژن) را نشان می‌دهد که به نوبه خود نشان‌دهنده تکامل بردباری اجتماعی انسان از دوران پلیستوسینس میانه به بعد است.
۳	استفان دابلر	۲۰۱۴	رابطه بین مذهب و نابرداری نسبت به مسلمانان و مهاجران در اروپا: یک تحلیل چندسطحی	داده‌های مطالعه ارزش‌های اروپایی	یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در سطح کلی، تفاوت زیادی در نابرداری علیه مسلمانان و مهاجران وجود دارد. مردم اروپای شرقی بیشتر از اروپای غربی به نابرداری گرایش دارند. در بیشتر کشورها، مسلمانان کمتر از سایر مهاجران پذیرفته می‌شوند.

ادامه جدول ۲. پژوهش‌های تجربی خارجی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتیجه‌گیری
۳	آنا تریاندفولیدو و هانا کوکی	۲۰۱۳	مهاجران مسلمان و ملت یونان: ظهور نابرداری ناسیونالیستی	مطالعه موردی درباره مسلمانان معترضی که در سال ۲۰۱۰ در آتن در اعتراض به نداشتن مسجد تظاهرات کردند و در چهار میدان شهر نماز خواندند.	نابرداری در مقایسه با بردباری ریشه در مفهوم ملیت دارد. نابرداری در برابر مهاجران، واکنشی سیاسی و مذهبی به واقعیتی عینی است؛ بنابراین به استثنای عده معدودی از پاسخگویان با گرایش‌های چپ، بقیه از جمله کسانی که خود را وفادار به اصول لیبرالیسم مانند برابری و عدالت می‌دانند، نابرداری را توجیه می‌کنند و مشروعیت می‌بخشند. پاسخگویان از نوعی استراتژی عینیت‌بخشیدن برای قدرت‌بخشیدن به فرهنگ‌سازی و هویت‌سازی استفاده می‌کنند.
۴	هایفنگ کیان	۲۰۱۳	تنوع در مقابل بردباری: تنوع اجتماعی اختراع و کارآفرینی در شهرهای ایالات متحده	مناطق شهری ایالات متحده	تأثیر تنوع، نوآوری و کارآفرینی بر بردباری و گشودگی بسیار متفاوت است و تنوع باید متناسب با بردباری و گشودگی تعریف و اندازه‌گیری شود.
۵	کیمولی کاسارا	۲۰۱۳	زمینه‌های اجتماعی و سیاسی محلی بردباری قومی در کنیا	کنیا	افرادی که در مناطق گوناگون قومی جدا و زندگی می‌کنند، اعتماد بین‌المللی زیادی دارند؛ درحالی‌که در میان افراد باقی‌مانده جداشده، اعتماد به اعضای دیگر گروه‌های قومی کمتر است. شواهد کمی وجود دارد که رقابت انتخاباتی محلی حتی در مناطق گوناگون قومی نیز بردباری را کاهش می‌دهد.

ادامه جدول ۲. پژوهش‌های تجربی خارجی

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتیجه‌گیری
۶	سیتانگ و همکاران	۲۰۱۳	فرهنگ برداری در خانواده‌های تازه‌مسلمان شده در مالزی	-	درک متقابل و احترام و بردباری درباره خانواده‌های تازه‌مسلمان پیامد زندگی در محیطی است که در آن چندمذهبی و چنددینی امری عادی تلقی می‌شود و نیز توسعه مذهبی و فرهنگ مدارا در بین خانواده‌های آن وجود دارد.
۷	آلیسون هارل	۲۰۱۰	برداری سیاسی، سخنرانی نژادپرستانه و تأثیر شبکه‌های اجتماعی	داده‌ها حاصل مصاحبه با ۳۳۳۴ نفر از جوانان (دانش آموزان ده تا یازده ساله) کانادایی در کبک و انتاریو (۳۳۳۴ نفر) است	قرارگرفتن در معرض تنوع نژادی و قومی در شبکه‌های اجتماعی و بردباری سیاسی سخنرانی نژادپرستانه را کاهش می‌دهد. این در حالی است که هم‌زمان تأثیر مثبتی بر بردباری سیاسی دیگر انواع سخنرانی‌های اعتراض آمیز دارد.
۸	مایک جلینگ و همکاران	۲۰۱۰		نوجوانان هلندی (۱۲-۱۷ ساله)	شرکت‌کنندگان نسبت به اقداماتی که مسئله شخصی تلقی می‌کنند بردباری بیشتری دارند تا اقدامات مربوط به مسائل اخلاقی (اقدامات اجتماعی عرفی در حد وسط قرار دارد).

بنیان‌های نظری موضوع

تعریف مفهومی و اصطلاحی واژه نابرداری

واژه نابرداری را باید در ارتباط با بردباری و تساهل تعریف کرد که در لغت به معنای سهل‌گرفتن بر یکدیگر و به نرمی با یکدیگر رفتار کردن، رواداری و تحمل هرگونه عقیده و رفتار مخالف است، اما در اصطلاح اجتماعی به معنای مدارا کردن و خویش‌نمایی در برابر عقاید و رفتارهایی است که

ما با آن‌ها مخالفیم یا از آن‌ها تنفر داریم (ترکاری، ۱۳۸۸: ۱۳۴). به عبارت دیگر، «بردباری شکل مثبت نابررداری است، ولی متضاد آن نیست» (پرایور و همکاران، ۲۰۰۱: ۵).

واژه *toleration* از ریشه *tolero* به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر *tollo* به معنای حمل کردن یا بردن و اجازه دادن هم‌خانواده است. گویا کسی که تساهل می‌ورزد باری را تحمل یا حمل می‌کند، اما در اصطلاح، تساهل و تسامح عبارت است از ممانعت نکردن از روی قصد و آگاهی و به معنای عدم مداخله و یا اجازه دادن به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و علاقه نیست» (معصومی زارع و شبان‌نیان، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

همان‌طور که گفته شد، بردباری و نابررداری دو روی یک سکه‌اند. در واقع، چنانکه فهم بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی در قالب دوگانگی‌هایی مانند عینیت/ذهنیت، خرد/کلان و ساختار/کنش اتفاق می‌افتد، بهتر است معنای بردباری را در ارتباط با نابررداری بشناسیم. «دش و گیسون فقدان مدارا یا نابررداری را تمایل برای محدود کردن حقوق دموکراتیک یک گروه منفور مبتنی بر نظر شخصی تعریف کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در باب نابررداری یا فقدان مدارا به عواملی همچون عقاید قالبی، تعصب، نژادپرستی، دگماتیسم، نامنی و هواخواهی سنت اشاره کرده‌اند» (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱: ۱۴).

نابردباری صرفاً یک آسیب اجتماعی نیست، بلکه در بعضی موارد ضروری است. به عبارت دیگر، بردباری دارای دو بعد سازندگی و تخریب است. بعد سازندگی نابررداری بدین معنی است که «بردباری به معنای تحمل و پذیرش مطلقاً همه چیز نیست. بردباری بی حساب همه چیز منجر به فرسایش بنیان‌های جامعه می‌شود؛ به عنوان مثال، یک دولت نباید با کسانی که مرتکب قتل عمد یا ترور شده‌اند، مدارا کند و در محاکمه آن‌ها دچار خطا شود (آگیوس و امبروسویچ، ۲۰۰۳: ۱۷)، اما بعد مخرب و ضداجتماعی نابررداری بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که به بدتر شدن شرایط اخلاقی و روانی در جامعه منجر می‌شود و آن هم به نوبه خود به خشونت می‌انجامد؛ برای مثال، گسترش ایدئولوژی نژادپرستی به عنوان یکی از نمودهای نابررداری موجب افزایش خشونت‌های نژادی و کشتار می‌شود (همان: ۱۸). این نوع دوم نابررداری است که تهدیدکننده نظم و انسجام اجتماعی است.

نظریه‌های بردباری

بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد اندیشمندان زیادی درباره مفهوم بردباری بحث کرده‌اند و تقسیم‌بندی‌های مختلفی از این اصطلاح ارائه داده‌اند؛ برای مثال «گلد اسمیت^۱ بردباری اجتماعی را به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می‌کند. بردباری اجتماعی منفعل حکایت از بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر است، اما بردباری فعال که خود به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می‌شود، بیانگر بردباری شفاهی و عملی در قبال دیگران است. لرد اسکارمن^۲ نیز به نوبه خود بردباری را به دو گروه بردباری مثبت و بردباری منفی تقسیم می‌کند. بردباری منفی به معنای عدم مداخله در امور مردم و رهاکردن آن‌ها به حال خودشان است. بردباری مثبت نیز به معنای پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آن‌ها از فرصت‌های برابر در جامعه است. چیکرینگ و ریسر^۳ نیز از دو نوع بردباری بین‌فرهنگی و بین‌فردی نام می‌برند. طبق نظر آن‌ها، افراد بردبار کسانی هستند که دارای نوعی توانایی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوت‌ها، به تحقیق بیشتر درباره آن‌ها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوت‌ها وجود دارند» (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۶-۸).

یکی دیگر از مشهورترین نظریه‌پردازان حوزه بردباری وگت^۴ است. وی از سه نوع بردباری سیاسی، مذهبی و اجتماعی صحبت می‌کند. بردباری سیاسی به بردباری نسبت به کنش‌های حوزه عمومی مانند یک سخنرانی یا یک گردهمایی اشاره دارد. برعکس، بردباری اخلاقی بیانگر بردباری در برابر کنش‌های حوزه خصوصی است؛ و درنهایت اینکه منظور او از بردباری اجتماعی، تحمل ویژگی‌ها و خصوصیات مادرزادی افراد مانند رنگ پوست و... و نیز تفاوت‌های اجتماعی مانند زبان است. از نظر وگت، این ویژگی‌ها به‌خودی‌خود موجب نزاع و خشونت نمی‌شوند، بلکه رفتارها و کنش‌هایی که به افراد دارای این خصوصیات نسبت داده می‌شود و نامناسب انگاشته می‌شود، موجب اختلاف و نزاع می‌شود (واندورن، ۲۰۱۲: ۳).

پرستون کینگ نیز به‌عنوان آخرین نظریه‌پرداز مورد بررسی در اینجا، یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های حوزه مطالعات بردباری اجتماعی را که کامل‌ترین نظریه در این حوزه است، ارائه داده است. کینگ از چهار نوع بردباری اجتماعی نام می‌برد: بردباری عقیدتی، بردباری

1. Goldschmidt
2. Scarman
3. Chickering and Reisser
4. Vogt

سیاسی، بردباری هویتی و بردباری رفتاری (ترکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۱؛ شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۹). بردباری عقیدتی عبارت است از بردباری نسبت به وجود یا بیان یا تبلیغ عقاید مخالف با عقاید عامل تساهل مانند باور به دگراندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، نداشتن تعصب و باور به آزادی عقیده. بردباری سیاسی عبارت است از شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مختلف و ایجاد نهادهای مربوطه به حل و فصل تضادها و حق اعتراض در قالب نشریات یا راهپیمایی‌ها. بردباری هویتی عبارت است از اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی مانند دین، ملیت و قومیت که اختیاری نیستند و در نهایت، بردباری رفتاری شامل سه نوع بردباری در روابط جنسی، بردباری نسبت به جرم و بردباری نسبت به مجرمان می‌شود (ترکرانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

رونالد اینگلهارت

رونالد اینگلهارت از جمله اندیشمندانی است که در چارچوب رهیافت توسعه انسانی به فرهنگ سیاسی نگرسته و مطالعات متعددی را در این زمینه انجام داده است. وی عنوان می‌کند افراد دارای فرهنگ سیاسی دموکراتیک از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده‌اند و نگرش مثبتی به برابری جنسیتی داشته‌اند. همچنین بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید کرده‌اند و رویکرد بردبارانه‌ای در برخورد با «غیر» دارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۴۴).

مارک تسلر

«مارک تسلر از جمله متفکران حوزه نوسازی است که با جمع‌بندی نظریات و مطالعات پیشین و با استفاده از نظریات آلموند و وربا و اینگلهارت معتقد است که فرهنگ سیاسی، جنبه‌های شناختی و رفتاری شهروندان و مردمان عادی را شامل می‌شود. تسلر با لحاظ کردن معیارهای شناختی و رفتاری شهروندان عادی و با توجه به عناصر مدارای سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علایق سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت مدنی و اعتماد بین‌فردی، فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱. فرهنگ سیاسی دموکراتیک: در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل می‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت و به سیاست علاقه و از آن شناخت دارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و به شهروندان اعتماد دارند. ۲. فرهنگ سیاسی بی‌اعتنا: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل و از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، اما به سیاست علاقه و از آن شناخت ندارند؛ ۳.

فرهنگ سیاسی عملگرا: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل نمی‌کنند و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، اما به سیاست علاقه‌مند و از دانش کافی نسبت به سیاست برخوردارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و به شهروندان اعتماد دارند. این افراد خود را با زندگی سیاسی و اجتماعی وفق می‌دهند، اما با افکار آلترناتیو، مزیت‌ها و سبک زندگی آنان میانه خوبی ندارند. ۴. فرهنگ سیاسی محدود: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع و مخالف را تحمل نمی‌کنند (تسلر، ۲۰۱۱ به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

علی‌رغم اینکه در روش نظریه‌مبنایی هدف ساخت یک نظریه براساس داده‌های مأخوذ از جامعه مطالعاتی است، همان‌طور که استراوس و کوربین متذکر شدند، ضرورت دارد محقق براساس مبانی نظری و تجربی موجود، به مروری بر ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق سبب می‌شود محقق با مفاهیم و معانی حساس مرتبط با موضوع تحقیق آشنا شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۴۶-۷۵). در این راستا، محقق با مراجعه به ادبیات نظری مرتبط با تحقیق، موجب تأیید یافته‌های تحقیق می‌شود و از یافته‌های آن حمایت می‌کند.

روش تحقیق

در منطق روش‌شناسی تفسیری، از رویکردهای مختلف نظری هرچند به شیوه‌های متفاوت‌تر با روش اثبات‌گرایانه استفاده می‌شود؛ زیرا همان‌طور که فترمن^۱ (۱۹۹۵) بیان می‌کند، «محقق کیفی باید با ذهنی باز و نه کله‌ای پوک وارد میدان مطالعه شود». این عبارت موجز و رسا نشان می‌دهد نظریات می‌توانند به‌مثابه راهنمای عمومی پژوهش‌های کیفی مدنظر قرار گیرند. به این معنا که نظریه‌ها می‌توانند در بازشدن ذهن محقق، توجه به نکات، روندها و ابعاد محوری میدان مطالعه، و ارائه چارچوبی مفهومی برای طرح سؤال‌های اساسی، نقش کلیدی ایفا کنند. تحقیق کیفی، عمدتاً بر رویکرد نظری تفسیرگرایی اجتماعی است. رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد، بر این باور است که واقعیات در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته و معنادار می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۸: ۲۳۶).

با توجه به موضوع مطالعاتی و با در نظر گرفتن تناسب موضوع با انواع روش‌های کیفی و نیز اهداف تحقیق، محقق به انتخاب روش کیفی مورد نظر اهتمام می‌کند؛ برای مثال، چنانچه هدف،

ساخت و فورمولاسیون نظریه‌ای در پرتو اطلاعات و داده‌های کیفی به روش استقرایی باشد، مشخصاً روش نظریه‌مبنایی (GT) روش مناسبی است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۷۳). بر این اساس، این تحقیق با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی از سوژه‌ها سؤال می‌کند که نابرداری اجتماعی را چگونه درک، تفسیر و ارزیابی می‌کنند و پاسخ داده آن‌ها چیست. با توجه به ماهیت مسئله و گروه هدف که عبارت است از صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی کشور، از روش نظریه‌مبنایی یا داده‌بنیاد (گراندد تئوری) بهره گرفته شد و با توجه به اینکه در این روش، محقق با سوژه‌ها و موضوعات انسانی به‌عنوان جامعه مطالعاتی سروکار دارد، شیوه و تکنیک مصاحبه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این روش است. این نوع مصاحبه از نوع مصاحبه عمیق مبتنی بر گفت‌وگوی همدلانه، نشستن و پرسیدن و گوش‌دادن، دیدن، تفسیر متقابل و... است. با این رویکرد، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و مشاهده‌ای مشارکتی به گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها براساس کدها و مقوله‌های کلیدی و مهم و رسیدن به یک مدل پارادایمی پرداخته شد. این روش «یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به‌کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای ایجاد کند. یافته‌های تحقیقی مشتمل است بر تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی، نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند» (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۴).

در پژوهش حاضر، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. نمونه‌گیری نظری در دهه ۱۹۶۰ توسط گلنزر و استراوس ابداع شده است. در این نوع نمونه‌گیری که شیوه‌ای در گردآوری داده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات است، فرایند نمونه‌گیری نظری طی مراحل پژوهش توسعه می‌یابد و نمی‌توان آن را از قبل طراحی و تعیین کرد (همان: ۱۳۹). از این‌رو از میان استادان دانشگاه و دانشجویان دکتری که در مرحله نوشتن رساله بودند، ۱۲ مرد و ۱۰ زن انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه شد. حوزه مطالعاتی آن‌ها جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ارتباطات، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات فرهنگی است. برای تحلیل داده‌ها از نظریه‌مبنایی استفاده شد. این رویکرد که با تحلیل و تفسیر متن سروکار دارد، یکی از عمده‌ترین شیوه‌های معرفی‌شده توسط استراوس و کوربین است. پس از پیاده‌شدن هر مصاحبه و تبدیل به متن و بازاندیشی، به‌دنبال مصاحبه بعدی رفتیم تا اشباع نظری صورت گیرد. زمانی که یقین یافتیم که از داده‌ها بی‌نیازیم و هیچ اندیشه و مفهوم جدیدی درباره موضوع پژوهش پدید نمی‌آید و معانی، اندیشه‌ها و مفاهیم به دور تسلسل

افتاده است، نمونه‌گیری متوقف شد. بر این اساس، پس از مصاحبه با ۲۲ نفر از نخبگان دانشگاهی، داده‌ها به مرحله اشباع رسید. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

در هر تحقیقی، پژوهشگر باید از داده‌های جمع‌آوری شده اطمینان حاصل کند. در پژوهش کیفی، به بعد روایی توجه بیشتری می‌شود و پایایی از معنای محدودتری برخوردار است؛ زیرا در بخش روایی باید مشخص شود که آیا دلایل ارائه‌شده توسط پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان دقیق، قابل اعتماد و معتبر است (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۴۶). بر این اساس، یافته‌های خود را در اختیار خبرگان در این حوزه قرار دادیم تا آن‌ها را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن و تفسیر و برداشت‌های محقق نظر بدهند؛ به طوری که از روایی و پایایی داده‌ها اطمینان حاصل شود و سپس فرایند تحقیق انجام گیرد.

یافته‌های پژوهش

برداشت و فهم معنایی سوژه‌ها از نابرداری اجتماعی

از منظر سوژه‌ها، نابرداری اجتماعی مقوله‌ای سلبی است و بدین جهت برای تعریف آن از استراتژی تعریف به متضاد استفاده می‌شود. بر این اساس، ابتدا تعریف بردباری اجتماعی ارائه و سپس جنبه سلبی آن یعنی نابرداری تعریف می‌شود. بردباری اجتماعی معانی گوناگونی دارد و به معنای تساهل و رواداری و نیز پذیرش و به رسمیت شناختن دیگری است.

مفهوم نابرداری اجتماعی در علوم اجتماعی مفهومی متأخر است و با مقوله آسیب‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد. از این منظر، نابرداری اجتماعی با مفهوم مصونیت از آسیب درهم تنیده می‌شود. البته آسیب اجتماعی اعم از نابرداری است و می‌تواند دو نوع آسیب اجتماعی را از هم تفکیک کرد: آسیب‌هایی که به عصیان اجتماعی و شورش ختم می‌شود و یکی از مصادیق آن ارتشا است و دیگر، آسیب‌هایی که به عصیان ختم نمی‌شوند؛ زیرا برای جامعه عادی شده‌اند. وقوع ناهنجاری‌ها پس از مسابقات ورزشی می‌تواند یکی از مصادیق این نوع باشد که در عین حال موجب سرگرمی اجتماعی می‌شود و به مثابه سوپاپ اطمینان عمل می‌کند.

خاستگاه نابرداری اجتماعی به دوره مدرن بازمی‌گردد. در جامعه مدرن، نظم طبیعی جامعه سنتی از بین می‌رود و در نظام اخلاقی تغییراتی حادث می‌شود. این تغییرات در شش مؤلفه قابل تقسیم‌بندی است: کاهش سرمایه‌های اجتماعی سنتی، فردگرایی، غالب شدن نیازهای آنی و ضروری، توجه به فرهنگ مادی، فایده‌مندی و عملگرایی. این شش مؤلفه در جامعه مدرن هرکجا با ناکامی روبه‌رو شود، به نابرداری اجتماعی می‌انجامد.

این بحث بدین معنا نیست که پیش از جهان مدرن هیچ‌گونه نابرداری دیده نمی‌شد. اتفاقاً مصادیق نابرداری وجود داشت، ولی بحثی مستقل در خصوص آن مطرح نبود. بحث نابرداری در جهان مدرن در شق معرفت‌شناختی آن ظهور کرد و پس از آن به مباحث اجتماعی تعمیم داده شد که شق اجتماعی آن تابع شق معرفت‌شناختی آن است. یکی از صاحب‌نظران در این خصوص می‌گوید:

«اینکه نابرداری ابتدا در بحث‌های معرفت‌شناسی بروز کرد بدین جهت بود که بحث سکولاریسم و به‌محاق‌رفتن دین به این معنا که دین به عرصه خصوصی محدود شود. به این دلیل بود که عقیده داشتند دین مانع مدارا و بردباری است؛ زیرا یک آدم دیندار واجد تعصبات مذهبی است و تعصباتش سبب می‌شود کمتر اهل مدارا و تساهل باشد. بحث نابرداری از اینجا شروع شد تا رسید به مباحث اجتماعی و مصادیق اجتماعی‌اش که ارتباط پیدا می‌کند با خشونت‌های اجتماعی که گونه‌ای آسیب اجتماعی است.»

مطابق یک رویکرد، جوامع متکثر به معنای چندفرهنگی و چندقومیتی از جوامع یکدست بردبارتر هستند:

«بردباری به معنای اینتلورانس، تساهل و رواداری است که معمولاً در جوامع متکثر که از جمعیت‌های مختلف پدید آمده آرام‌آرام شکل می‌گیرد، اما در جوامعی که یکپارچگی بیشتری وجود دارد خودمداری فرهنگی وجود دارد یا خودمداری بومی دینی وجود دارد، اشکال خودمداری مانع از رواداری می‌شود؛ یعنی یکی از بزرگ‌ترین موانع رواداری اشکال خودمداری است، اعم از خودمداری دینی، قومی و ملیتی.»

جدول ۳. تعاریف نابدباری اجتماعی

کدگذاری باز	ردیف
نداشتن هم‌زیستی مسالمت‌آمیز	۱
کاهش تعاملات انسانی	۲
کاهش گفت‌وگوی اجتماعی	۳
برخورد سختگیرانه	۴
خشونت	۵
کاهش مصونیت	۶
رعایت نکردن حقوق شهروندی	۷
واکنش‌های شدید در برابر مسائل اجتماعی	۸
نپذیرفتن دیگری	۹
به‌رسمیت نشناختن شأن دیگری	۱۰
شرایط اجتماعی‌ای که سیالیت بین روابط اجتماعی را از بین می‌برد	۱۱
رفتار خارج از عرف و هنجار و قواعد اجتماعی	۱۲
نبود تساهل اجتماعی	۱۳
فواتر از تحمل کردن	۱۴

نابدباری اجتماعی مانند دیگر مفاهیم موجود در علوم اجتماعی با مفاهیم بسیاری مشابه، و از برخی مفاهیم به‌ظاهر مشابه در حوزه خود متمایز است. براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران در حجم نمونه این پژوهش، مفاهیمی مانند نداشتن تساهل، نداشتن پذیرش تمایز، گوش‌به‌زنگی اجتماعی، نبود درک متقابل، بی‌اخلاقی اجتماعی، ناهمدلی، پرخاشگری اجتماعی، به‌رسمیت نشناختن دیگری، ناهمنوایی، عصبانیت جمعی و نداشتن تعامل اجتماعی دارای تشابه است. از سوی دیگر، نابدباری از برخی واژه‌ها که به‌ظاهر به حوزه نابدباری شباهت دارند، متمایز است. نارواداری از جمله این واژه‌ها است. این واژه بدین سبب از نابدباری متمایز است که در نارواداری قضاوتی اخلاقی وجود دارد. همچنین عاملی درونی و عقیدتی است؛ درحالی‌که نابدباری عاملی بیرونی است. همچنین واژه صبوری به‌دلیل بستگی آن به فرهنگ، متمایز از مفهوم نابدباری است؛ زیرا صبوری به‌معنای بالابردن تحمل است که موجب افزایش بردباری می‌شود و در معنایی دیگر مأخوذ از تقدیرگرایی است که بسیار مخرب است. همچنین است سعه صدر که به‌معنای نادیده‌گرفتن آگاهانه برخی مسائل است. ناخویشترداری نیز عاملی روان‌شناختی است که متمایز از نابدباری اجتماعی است که بیشتر نمودی اجتماعی دارد.

تیپولوژی نابرداری اجتماعی

براساس داده‌های کیفی مأخوذ از سوژه‌ها، نابرداری اجتماعی به دلیل تنوع و گستردگی بار معنایی خود دارای ابعاد، مؤلفه‌ها و مصادیق متفاوت است. در یک تقسیم‌بندی کلی، ابعاد دینی-عقیدتی، اخلاقی، شناختی، هویتی، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، پیامدی-رفتاری، مدنی-حقوقی، اقتصادی، آموزشی، خانواده و سازمانی قابل تشخیص هستند. از سوی دیگر، تمامی این ابعاد در سه مقوله خرد، میانه و کلان یا به تعبیر دیگر سطوح ساختاری (میانه و کلان) و کنشی یا عاملیت (خرد) قابل‌رده‌بندی هستند:

«نابرداری اجتماعی را به سه نوع می‌توانیم تقسیم کنیم: ۱. نابرداری اجتماعی مردم با مردم: یعنی مردم در تعامل اجتماعی با افراد هم‌گروه و هم‌سنخ خودشان نابرداری نشان می‌دهند. این نوع از نابرداری در فضاهای عمومی مثل خیابان، مترو و... اتفاق می‌افتد؛ ۲. نابرداری اجتماعی مردم با سازمان‌های دولتی که به انتظارات، مطالبات و توقعات مردم از خدمات دستگاه‌های دولتی برمی‌گردد و ۳. نابرداری اجتماعی در مقابل سازمان‌های خصوصی که در فضاهای خصوصی مثل شرکت‌ها، پاساژها و... رخ می‌دهد.»

جدول ۴. تیپولوژی نابرداری اجتماعی: ابعاد، مؤلفه‌ها و مصادیق از منظر سوژه‌ها

کدگذاری باز		ابعاد	ردیف
مصادیق	مؤلفه‌ها		
اجازه تبلیغ‌ندادن به اقلیت‌های دینی	تساهل‌نداشتن در برابر تبلیغ	دینی-عقیدتی	۱
جدال در بحث‌های دینی-عقیدتی	نابرداری در خصوص دیدگاه‌های مختلف دینی		
تساهل‌نداشتن در برابر شیوه پوشش	نبذیرفتن ایدئولوژی مخالف		
	معتقدن‌بودن به نسبی‌گرایی اخلاقی	اخلاقی	۲
	داشتن نظام ذهنی اخلاقی بسته		
	خویش‌دار نبودن		
	ارزش‌زدایی از دیگران، رد ارزش انسانی دیگران	شناختی	۳
برخورد نامناسب با مهاجران خارجی	احساس تهدید		
	مقایسه‌کردن خود (با دیگران، با سطح جهانی)		
رانندگی زنان، حضور اجتماعی زنان، تحقیر مهاجران افغانستانی، تحقیر طبقات فرودست	اختلافات ملی، نسلی، قومی، جنسی، طبقه‌ای	هویتی	۴
	فردگرایی	زمینه اجتماعی: موافق و مخالف	۵
	انواع سرمایه: اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی		
	وسیع‌شدن دایره تعامل‌کنندگان، قوانین، هنجار و عرف اجتماعی		

ادامه جدول ۴. تیپولوژی نابرداری اجتماعی: ابعاد، مؤلفه‌ها و مصادیق از منظر سوژه‌ها

کدگذاری باز			
ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	مصادیق
۶	سیاسی	ایدئولوژی‌های سیاسی و ملی، سنت‌گرایی افراطی، قبیله‌گرایی حذف گروه‌های سیاسی با خشونت، حذف با رفتارهای غیرگفتمانی	نازیسم، فاشیسم، سوسیالیسم، کاپیتالیسم جنگ جهانی اول و دوم، جنگ امریکا و ویتنام، جنگ بوسنی و صربستان، جنبش اخوان المسلمین
۷	پیامدی- رفتاری	ناسزاگویی و کنترل‌نکردن خود در مواجهه با دیگران	خشونت در ترافیک
		عجولانه رفتارکردن	رعایت‌نکردن نوبت در صف‌ها
		منصرف‌شدن از کار مدنظر	
		عکس‌العمل نشان‌دادن	
۸	مدنی- حقوقی	نابرداری در خصوص حقوق شهروندی	اجازه‌گردهمایی رعایت‌نکردن حق استفاده از فضاهای سبز شهری
		تصویب قوانینی که خشونت را مجاز می‌دانند	رعایت‌نکردن حقوق حمل‌ونقل عمومی رعایت‌نکردن نظافت شخصی
		نابرداری در شرایط افول اقتصادی	احتکار توسط فروشندگان، خرید بیش از نیاز توسط مردم
		نابرداری دانشجو-استاد، نابرداری مدرس-مدیر	تحمل‌نکردن در بررسی پروپوزال دانشجویی یا موضوعات تحقیق دانشجویی
۹	اقتصادی	نابرداری زن‌شویی، نابرداری والدین- فرزندان	خشونت والدین علیه کودکان (خشونت خانوادگی)، طلاق
۱۰	آموزشی	نابرداری نادرست با دیگران در محل کار	خشونت کارمند نسبت به ارباب‌رجوع (دیوانسالارانه)، خشونت پزشک نسبت به بیمار
۱۱	خانواده		
۱۲	سازمانی		

رویکرد دوگانه عوامل و بسترهای راهبرد نابرداری اجتماعی

برای بررسی نابرداری اجتماعی، پس از تعریف و شناسایی ابعاد آن از دیدگاه سوژه‌ها، تعیین عوامل و بسترهای آن ضروری است. مجموع نتایج تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد به‌طورکلی می‌توان عوامل نابرداری اجتماعی را در رویکرد کنشی-ساختاری بررسی کرد. ضمن آنکه رویکرد دوگانه کنش-ساختار به‌طورکلی از یکدیگر مجزا نیستند و پوشش‌دهنده یکدیگرند.

الف) رویکرد کنشی

عوامل کنشی یا عاملیتی نابرداری اجتماعی عواملی در سطح خرد هستند که در یک تیپ‌بندی کلی به دو قسمت متغیرهای جمعیت‌شناختی یا زمینه‌ای و جامعه‌شناختی قابل تقسیم‌اند. یک کارشناس در خصوص متغیرهای زمینه‌ای معتقد است:

«به لحاظ جامعه‌شناختی، اگر بخواهید نابرداری را ریشه‌یابی اجتماعی کنید باید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی متمرکز شوید؛ یعنی یک سری متغیرهای به اصطلاح زمینه‌ای را در مطالعه در نظر بگیرید. همچنین شناسایی بستر اجتماعی ضروری است. متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، شغل، تحصیلات، طبقه و... افراد هستند که می‌توانند بر بردباری اجتماعی آنان تأثیر داشته باشند؛ برای مثال، تحصیلات بالاتر مدارای اجتماعی و بردباری اجتماعی بیشتری را به ما می‌دهد؛ چون به بحث فرهنگ مربوط است. بدین معنی که افراد تحصیل کرده‌تر نگاه‌های فرهنگی سالم‌تری دارند. البته در صورتی که مسیر صحیح و نه معیوب را برای تحصیلات انتخاب کرده باشند.»

جدول ۵. عوامل کنشی (سطح خرد) نابرداری اجتماعی

کدگذاری باز	ردیف
سن	۱
شغل	۲
طبقه اجتماعی	۳
وضعیت تأهل	۴
میزان تحصیلات	۵
قومیت	۶
اعتقادات دینی	۷
محل سکونت	۸
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۹
انتظارات منفی در حافظه تاریخی مردم	۱۰
میزان برخورداری	۱۱
تمایل برای دیده شدن	۱۲
خودمداری	۱۳
جهان‌بینی	۱۴
تجربه‌های نامناسب قبلی	۱۵
دینداری	۱۶
ارتباطات شفاهی در به اشتراک گذاشتن افکار نومیدانه	۱۷
کمال‌گرایی	۱۸
بی‌هویتی و سردرگمی	۱۹
بینش ما به دیگری	۲۰
منابع چهارگانه تضاد (امیال، منافع، مواضع اتخاذشده و ایدئولوژی‌ها)	۲۱
اختلال در ایفای نقش	۲۲

(ب) رویکرد ساختاری

عوامل ساختاری نابرداری اجتماعی در یک تیپ‌بندی کلی براساس یافته‌های کیفی به دو قسمت میانی و کلان قابل تقسیم هستند. نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از اهمیت بیشتر عوامل سطح کلان در مقایسه با سطح میانی است. در سطح میانی، نحوه تربیت افراد در خانواده بسیار حائز اهمیت است. پرورش شخصیت صبور و سازگار و شخصیت عجول و ناسازگار، زمینه‌ها و بسترهای نابرداری را در سطح اجتماعی به دست می‌دهد. همچنین مصاحبه‌ها حاکی از آن است که در بررسی نابرداری در سطح کلان، عامل فرهنگ بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا ساختار برخی از فرهنگ‌ها مولد نابرداری و ساختار برخی دیگر مولد بردباری اجتماعی است.

جدول ۶. عوامل ساختاری (سطوح میانی و کلان) نابرداری اجتماعی

ردیف	کدگذاری باز (سطح میانی)
۱	شبکه روابط اجتماعی (خانواده، دوستان و همسالان و...)
۲	جامعه‌پذیری و آموزش ناکافی در مدارس
۳	میزان مشارکت اجتماعی
۴	نارضایتی اجتماعی
۵	تصویرسازی رسانه‌ای نامناسب از دیگران متفاوت با ما
۶	الگوهای نامناسب
۷	ضعف و اختلال در کارکرد و تعادل نهادی
کدگذاری باز (سطح کلان)	
۱	سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی
۲	میزان برخورداری
۳	تبعیض
۴	مرزبندی‌های برجسته (ساختارهای ادبی و فرهنگی برجسته‌کننده تفاوت‌ها، برنامه‌های فرهنگی نامناسب و...)
۵	بستر اجتماعی و تاریخی
۶	عوامل معرفتی (سیطره عقلانیت محاسبه‌گر، آزادی، عدالت و...)
۷	عوامل فرهنگی (کاهش وفاداری به آرمان‌ها و اهداف اجتماعی، گسترش روحیه بی‌اعتنایی، گفتمان تحقیر، تغییرات در سبک زندگی، دوری از فرهنگ ایرانی-اسلامی و...)
۸	عوامل اجتماعی (تغییر از جامعه سنتی به مدرن، نداشتن تعامل، کاهش هم‌بستگی، انسجام و اعتماد اجتماعی، کم‌رنگ‌بودن جامعه مدنی، نابرداری گروه‌های مرجع و سرایت آن به افراد، حاشیه‌نشینی، بی‌نظمی)
۹	عوامل فقهی-حقوقی (حقوق بشر، حقوق زن، ضعف و ناهماهنگی قوانین)
۱۰	عوامل محیطی - اقلیمی (آب‌وهوای نامطلوب)
۱۱	عوامل سیاسی (نظام سیاسی ایدئولوژیک، کاهش بردباری حاکمیت، توطئه‌های دشمنان، بی‌ثباتی)
۱۲	عوامل بین‌المللی (تفکرات جهانی)

راهکار کاهش نابردباری اجتماعی از منظر سوژه‌ها در یک راهبرد مرکزی قابل‌ارائه است. دیگر راهبردها حول این محور ترسیم می‌شوند. هسته مرکزی، راهبرد آموزش عمومی از طریق تبلیغات همگانی است. این تبلیغات می‌تواند در قالب بیلبوردهای سطح شهر توسط شهرداری و نیز سرای محله انجام شود که به ملکه‌شدن آموزه‌های بردباری و در نتیجه فرهنگ‌شدن بردباری در سطح جامعه منجر خواهد شد. راهبردهای دیگر عبارت‌اند از: تلقی بحران در قالب چالش و نه مشکلی لاینحل، تمرکز بر جامعه مدنی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش بردباری اجتماعی در سطح خرد (خانواده) و در سطح میانی (انجمن‌ها و حلقه‌های ادبی) و نیز در سطح کلان (هم‌صدایی)، دوری از نگاه صرفاً منفی به نابردباری بدین معنی که نابردباری نشانه درد اجتماعی است و تا درد احساس نشود، اقدامی برای درمان صورت نمی‌گیرد. پرهیز از کنترل اجتماعی به جای جامعه‌پذیری، فراهم کردن فضا برای گفت‌وگوی دوطرفه، ساماندهی فرهنگ از طریق تأکید بر آموزه‌های فراگردهای جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن، احیای گروه‌های مرجع، همسالان، خانواده و نهادها و ساختارهای اجتماعی که به پذیرش دیگری منجر می‌شود و در نهایت به دموکراسی می‌انجامد.

رویکرد ذهنی-عینی در بررسی پیامدهای نابردباری اجتماعی

مجموع نتایج تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد به‌طور کلی می‌توان پیامدهای نابردباری اجتماعی را در قالب رویکرد ذهنی-عینی بررسی کرد. ضمن آنکه رویکرد دوگانه به‌طور کلی از یکدیگر مجزا نیستند و پوشش‌دهنده یکدیگرند.

الف) رویکرد ذهنی

تجزیه و تحلیل‌ها حاکی از اهمیت نحوه تفکر جامعه و به عبارت دیگر نظام اندیشگی جامعه است. سیطره تفکر صفر و یکی، تنزل اخلاق عمومی، از بین رفتن امکان گفت‌وگو و در نتیجه ظهور فضای غیردموکراتیک در جامعه از پیامدهای نابردباری اجتماعی در فضای عمومی شهری است.

جدول ۷. عوامل ذهنی پیامدهای نابرداری اجتماعی

کدگذاری باز	ردیف
پرورش روحیه منفی در افراد (ناامیدی، تکراری، عجول بودن و...)	۱
بروز شخصیت‌های چهل‌تکه‌ای	۲
کاهش سرمایه اجتماعی	۳
بی‌اعتمادی اجتماعی	۴
سست شدن پیوندها و کاهش مشارکت اجتماعی	۵
فاصله و طرد اجتماعی	۶
فضیلت‌شدن نابرداری	۷
هرزرفتن توانمندی‌های ذهنی افراد	۸
سیطره تفکر صفر و یکی	۹
ازبین‌رفتن امکان گفت‌وگو	۱۰
ظهور فضای غیردموکراتیک در جامعه	۱۱

ب) رویکرد عینی

رویکرد عینی به نابرداری اجتماعی مبتنی بر مصادیق عینی نابرداری در فضای عمومی شهر است. نابرداری اجتماعی در فضای کلان‌شهر غالباً به شکل انواع خشونت بروز می‌کند. خشونت در شکل کلامی و فیزیکی بروز می‌یابد. تمسخر افراد شکل غالب خشونت کلامی و نزاع‌های خیابانی شکل غالب خشونت فیزیکی در کلان‌شهر است. همچنین قتل و انقلاب شدیدترین مصداق بارز نابرداری اجتماعی معرفی شده است. در صورتی که نابرداری و پیامدهایش را در یک طیف به تصویر بکشیم، مصادیق آن بدین شکل قابل تصور است:

«نابرداری از یک بوق‌زدن راننده تاکسی برای راننده دیگر شروع می‌شود و به سطح زدوخورد فیزیکی و حتی برخوردهای قومی و مذهبی کشیده می‌شود؛ یا مثال آن راننده بی‌حوصله‌ای است که در برابر خلاف راننده دیگر که بوق ممتد می‌زند ناسزا می‌گوید یا حتی با درآوردن قفل فرمان، برخورد فیزیکی می‌کند. همچنین شخصی که در معامله‌ای متضرر می‌شود، با طرف مقابل گلاویز می‌شود. این‌ها مصادیقی از نابرداری است که از کوچک تا بزرگ را شامل می‌شود.»

جدول ۸ عوامل عینی پیامدهای نابرداری اجتماعی

ردیف	کدگذاری باز
۱	خشونت اجتماعی (تمسخر افراد، نزاع‌های خیابانی، ناموسی، قومی و مذهبی، قتل و...)
۲	واکنش‌های عمومی منفی (وندالیسم، واکنش علیه کاندیدای برنده در انتخابات، واکنش در برابر برنده شدن تیم حریف در مسابقات ورزشی و...)
۳	آسیب‌های سازمانی (کاهش انگیزه شاغلان در محیط کار، برخورد نامناسب کارمند با ارباب رجوع، زدوبندهای جنسی و...)
۴	تحمل نکردن حضور اجتماعی زنان در جامعه
۵	اعتراض‌های سیاسی و انقلاب‌ها
۶	تغییرات بنیادی (آسیب دیدن ساختار سیاسی یا اصلاح سیستم سیاسی جامعه)
۷	شیوع بی اخلاقی اجتماعی (دروغگویی، شایعات و...)
۸	دورزدن قوانین (اختلاس، رشوه، مالیات ندادن و...)
۹	انجام ندادن تکالیف شهروندی (مالیات ندادن، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی)

بحث و استنباط نظری

در پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکردی کیفی و به روش مبنایی، مدل پارادایمی از مفهوم نابرداری اجتماعی را براساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر مصاحبه‌شوندگان از این مفهوم ارائه کردیم. در باب مفهوم نابرداری اجتماعی، سوژه‌های تحت مطالعه معتقدند مفهوم نابرداری اجتماعی به دلیل دو دسته عامل در جامعه وجود دارد. نخست عوامل کنشی از قبیل نوع جهان‌بینی، ضرورت دیده شدن افراد در جامعه و...؛ دوم عوامل ساختاری که بر سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تکیه دارد، ولی از منظر سوژه‌ها که ناظر بر شرایط علی نابرداری اجتماعی است، این عوامل وسیع‌تر هستند، مانند عوامل جمعیت‌شناختی. همچنین مصاحبه‌شوندگان میزان برخورداری افراد جامعه را هم لحاظ کردند.

شرایط زمینه‌ای براساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین در نظریه‌مبنایی از منظر کنشگران ناظر بر شرایط خاصی است که نابرداری اجتماعی را در بستر جامعه به وجود می‌آورد. این روند ریشه در ساختارهای اجتماعی دارد و به صورت مستمر بازتولید می‌شود.

شرایط میانجی و مداخله‌گر از منظر سوژه‌ها تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه است. براساس مدل پارادایمی نظریه استراوس و کوربین، سوژه‌ها به راهبردهایی در برخورد با پدیده نابرداری در جامعه اشاره داشتند؛ از جمله اینکه آموزش عمومی می‌تواند موجب کاهش نابرداری در جامعه شود. این

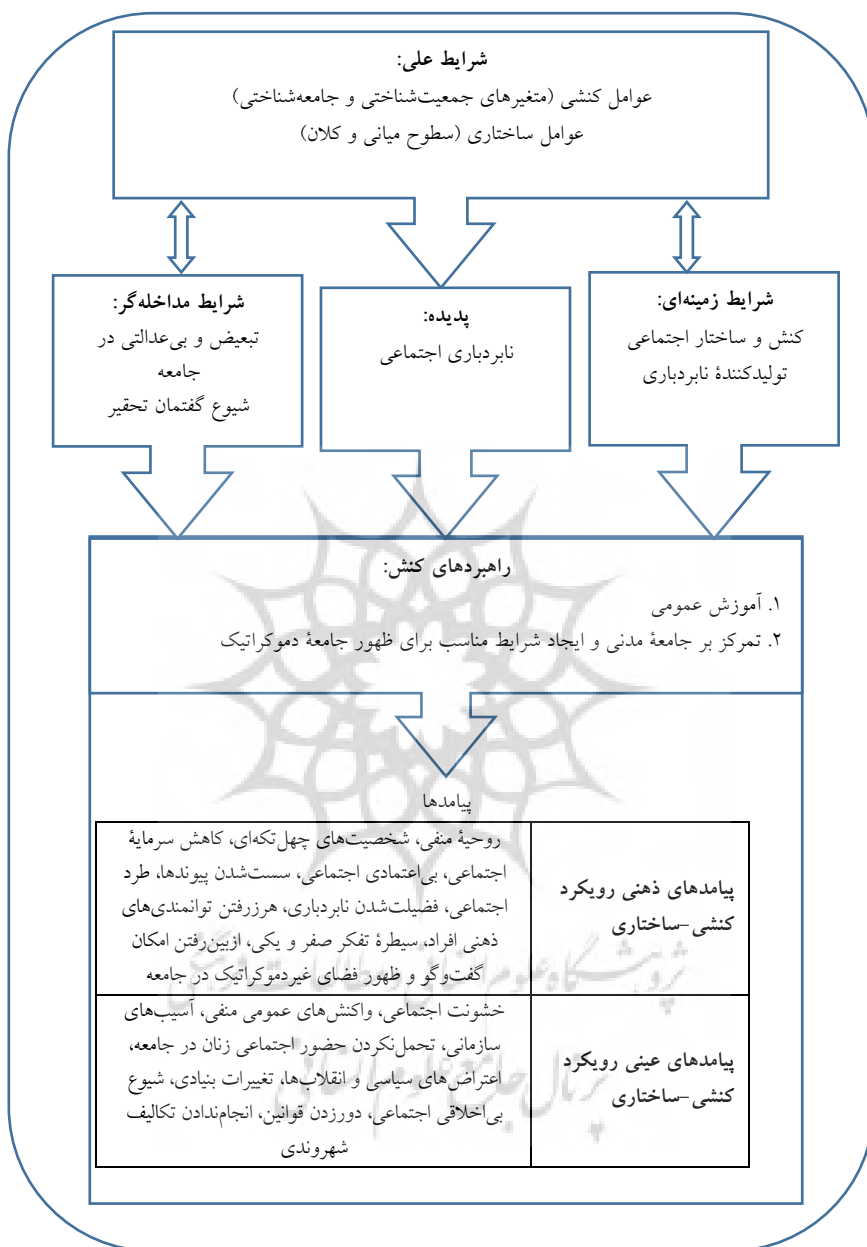
آموزش در سطح کلان به صورت آموزش همگانی، در سطح میانه در فرهنگ سازمانها و در سطح خرد در نهاد خانواده مطرح است.

پیامدهای نابرداری اجتماعی در جامعه از منظر سوژه‌ها عبارت‌اند از: افزایش خشونت در جامعه، بی‌اعتنایی افراد به هم‌نوعان، شیوع بی‌اخلاقی در جامعه و... این پیامدها به صورت عینی در جامعه جلوه‌گر است، ولی مهم‌تر از آن بخش پنهان آن است که در ذهن افراد نهادینه می‌شود و مهم‌ترین آن بی‌اعتمادی اجتماعی، سست‌شدن پیوندهای اجتماعی و طرد اجتماعی است.

در همین راستا، تمامی ابعاد مختلف پدیده نابرداری اجتماعی از نظرگاه نخبگان دانشگاهی در قالب یک مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود. این مدل براساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین تدوین شده است. از این طریق و با استفاده از مقوله‌های به‌دست‌آمده در بخش قبلی، به تدوین نهایی کدگذاری محوری در قالب جدول ۹ می‌پردازیم. در این مدل، چگونگی و چرایی اتخاذ چنین راهبردهایی تشریح شده است.

جدول ۹. چگونگی و چرایی اتخاذ راهبردها

مؤلفه	توضیح
شرایط علی	۱. عوامل کنشی: عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای (سن، تحصیلات و...)، عوامل جامعه‌شناختی (انتظارات منفی در حافظه تاریخی مردم، میزان برخورداری، تمایل برای دیده‌شدن، خودمداری، جهان‌بینی، منابع تضاد، اختلال در ایفای نقش و...) ۲. عوامل ساختاری: سطح میانی (شبکه روابط اجتماعی، جامعه‌پذیری و آموزش ناکافی، مشارکت اجتماعی، نارضایتی اجتماعی، تصویرسازی نامناسب از دیگران متفاوت با ما، الگوهای مرجع نامناسب و ضعف و اختلال در کارکرد و تعادل نهادی)، سطح کلان (سرمایه اجتماعی، فرهنگ و اقتصادی، میزان برخورداری، تبعیض، بستر اجتماعی و تاریخی، عوامل معرفتی، فرهنگی، اجتماعی، فقهی-حقوقی، محیطی-اقلیمی، سیاسی و بین‌المللی)
شرایط مداخله‌گر	تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه و شیوع گفت‌مان تحقیر
پدیده	نابرداری اجتماعی شهروندان تهرانی
زمینه	کنش و ساختار اجتماعی تولیدکننده نابرداری
راهبردهای کنش	۱. آموزش عمومی ۲. تمرکز بر جامعه مدنی و ایجاد شرایط مناسب برای ظهور جامعه دموکراتیک
پیامدها	۱. پیامدهای ذهنی: روحیه منفی، شخصیت‌های چهل‌تکه‌ای، کاهش سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی اجتماعی، سست‌شدن پیوندها، طرد اجتماعی، فضیلت‌شدن نابرداری، هرزرفتن توانمندی‌های ذهنی افراد، سیطره تفکر صفر و یکی، ازبین‌رفتن امکان گفت‌وگو و ظهور فضای غیردموکراتیک در جامعه ۲. پیامدهای عینی: خشونت اجتماعی، واکنش‌های عمومی منفی، آسیب‌های سازمانی، تحمل‌نکردن حضور اجتماعی زنان در جامعه، اعتراض‌های سیاسی و انقلاب‌ها، تغییرات بنیادی، شیوع بی‌اخلاقی اجتماعی، دورزدن قوانین، انجام‌ندادن تکالیف شهروندی



شکل ۱. مدل پارادایمی پدیده نابردباری اجتماعی

منابع

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمدی، یعقوب، محمدزاده، حسین و ابوبکر مجیدی (۱۳۹۷)، «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی-فرهنگی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱: ۱۰۷-۱۲۸.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- بهشتی، سیدصمد و یاسر رستگار (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی»، *مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۲: ۷-۳۵.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۳: ۱۳۳-۱۵۹.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰)، «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳: ۱۵۳-۱۷۵.
- حسین‌زاده، حسین، زالی‌زاده، مسعود و محسن زالی‌زاده (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴: ۱۴۹-۱۶۴.
- شارع‌پور، محمود، آزادارمکی، تقی و علی عسکری (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱: ۶۴-۹۸.
- شهریار، ابوالقاسم، خلیلی، محسن و حسین اکبری (۱۳۹۴)، «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی (نمونه پژوهشی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۱: ۱-۳۱.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر، شارع‌پور، محمود و نازنین فرزام (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین‌فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی»، *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، شماره ۳۵: ۷-۳۱.

- قاضی‌نژاد، مریم و الهه سادات اکبرنیا (۱۳۹۶)، «دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۱: ۲۱-۴۰.
- کریمی، علی و محمدهادی مؤذن (۱۳۹۰)، «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱: ۲۵-۵۲.
- کرسول، جان و ویکی پلانو کلاک (۱۳۹۴)، *روش‌های پژوهش ترکیبی*، مترجم علیرضا کیامنش و جاوید سرایی، تهران: نشر آبیز.
- گلابی، فاطمه و اکرم رضایی (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۱: ۶۱-۸۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- معصومی زارع، هادی و قاسم شباننیا (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد مبانی نظریه تساهل جان لاک»، *معرفت سیاسی*، شماره ۱: ۱۳۵-۱۶۱.
- مؤمنی، مریم، ایمان، محمدتقی و ماهرخ رجبی (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دینداری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، شماره ۳: ۳۲۱-۳۴۰.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، *فراروش، بینان‌های فلسفی و علمی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- Agius, Emmanuel and mbrosewicz, Jolanta. (2003). **Towards a culture of Tolerance and Peace**, International Bureau for Children's Rights.
- Cieri, Robert L. Churchill, Steven E. Franciscus, Robert G. Tan, Jingzhi and Hare, Brian (2014), "Craniofacial Feminization, Social Tolerance, and the Origins of Behavioral Modernity", **Current Anthropology**, No. 4: 419-443.
- Doebler, Stefanie. (2014), "Relationships Between Religion and Intolerance Towards Muslims and Immigrants in Europe: A Multilevel Analysis", **Review of Religious Research**, No. 1 :61-86.
- Freitag, Markus and Rapp, Carolin (2013), "Intolerance Toward Immigrants in Switzerland: Diminished Threat Through Social Contacts", **SPSR**, No 4: 425-446.
- Freitag, Markus and Carolin Rapp (2013), "Intolerance Toward Immigrants in Switzerland: Diminished Threat Through Social Contacts? ", **Swiss Political Science Review**, No 19(4): 425-446.

- Gieling, Maïke, Thijs, Jochem and Verkuyten, Maykel. (2010), "Tolerance of Practices by Muslim Actors: An Integrative Social-Developmental Perspective, *Child Development*", No. 5: 1384-1399.
- Habermas, Jürgen. (2003), "Intolerance and Discrimination", *I.CON*, Number 1: 2-12.
- Harell, Allison. (2010). "Political Tolerance, Racist Speech, and the Influence of Social Networks", *Social Science Quarterly*, No. 3: 724-740.
- Kasara, Kimuli, (2013), "Separate and Suspicious: Local Social and Political Context and Ethnic Tolerance", Kenya, *The Journal of Politics*, No. 4 : 921-936.
- Lee, Francis L. F. (2014), "Tolerated One Way but Not the Other: Levels and Determinants of Social and Political Tolerance in Hong Kong", *Social Indicators Research*, No. 2 : 711-727.
- Persell, Caroline Hodges, Green, Adam and Gurevich Liena (2001), "Civil Society, Economic Distress and Social Tolerance", *Sociological Forum*, No 2 : 203-230.
- Prior, Warren, Mellor, Suzanne and Withers, aeme. (2001), **Promoting Social Tolerance And Cohesion Through Education: Reprt 3: An Educational Framework For The Promotion Of Social Cohesion And Democratic Participation In Schools**, Australian Council for Educational Research.
- Qian, Haifeng. (2013), "Diversity Versus Tolerance: The Social Drivers of Innovation and Entrepreneurship in US Cities", *Urban Studies*, No. 13 : 2718-2735.
- Rapp, Carolin and Katherin Ackermann. (2016), "The consequences of social intolerance on non violent protest", *European Political Science Review*, No 4: 567-588.
- Sintang, Suraya. Khambali, Khadijah. (2013), "The culture of tolerance in families of new Muslims convert", *Middle East Journal of Scientific Research*, No 15: 1665-1675.
- Triandafyllidou, Anna and Hara Kouki. (2013), "Muslim immigrants and the Greek nation: The emergence of nationalist intolerance", *Ethnicities*, No 6 : 709-728.
- Van Doorn, Marjoka, (2012), **Tolerance**, Sociopedia.isa, DOI: 10.1177/2056846012121.